

«سید عباس عراقچی» گفته اکنون شورای امنیت نماد بارز ناکارآمدی و عدم توازن است. نمونه آشکار ناکارآمدی این شورا سکوت در برابر جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

وزیر خارجه ایران در نشست دوم وزرای خارجه بریکس؛



«سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران در نشست دوم وزرای امور خارجه کشورهای عضو بریکس، با عنوان «بازسازی نظم جهانی؛ ضرورت اصلاح حکمرانی بین‌المللی و احیای چندجانبه‌گرایی» سخنرانی کرد.

به گزارش اسپادانا خبر، در متن کامل سخنان وزیر امور خارجه آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس، همکاران گرامی؛

امروز جهان در دورانی از بی‌ثباتی ساختاری و بحران عمیق اعتماد قرار دارد. ساختارهای حاکم بر نظم بین‌المللی که در دوران پس از جنگ جهانی دوم طراحی شده‌اند، دیگر توان پاسخگویی به واقعیت‌های قرن بیست و یکم را ندارند. شکاف میان قدرت‌های نوظهور و ساختارهای تصمیم‌گیری سنتی نه تنها ثبات جهانی را تهدید می‌کند، بلکه به بی‌عدالتی گسترده در توزیع قدرت، ثروت و فرصت‌های توسعه دامن زده است.

آنچه امروز در برخی نهادهای بین‌المللی شاهدیم «چندجانبه‌گرایی» نیست، بلکه تلاشی برای حفظ «یکجانبه‌گرایی» در پوشش قوانین بین‌المللی است. استفاده ابزاری از قوانین، اعمال تحریم‌های یکجانبه و نادیده گرفتن حقوق و حاکمیت ملی کشورها، نشانه بحرانی عمیق در حکمرانی جهانی است. سیستمی که تصمیمات حیاتی برای بشریت را به گروهی محدود از کشورها واگذار می‌کند و منافع کشورهای در حال توسعه را نادیده می‌گیرد، مشروعیت خود را از دست داده است. این رویکرد مبتنی بر قدرت صرف، نه تنها صلح را تضمین نمی‌کند، بلکه ریشه اصلی تنش‌های منطقه‌ای و جهانی است.

در این چارچوب، نمی‌توان از یکی از ابزارهای اصلی بی‌ثبات‌سازی جهانی سخن نگفت؛ تحریم‌های یکجانبه. امروزه تحریم‌ها از ابزارهای دیپلماتیک به سلاح‌هایی برای جنگ اقتصادی و فشار بر جوامع در حال توسعه و مستقل تبدیل شده‌اند. این اقدامات که در نقض آشکار قوانین بین‌المللی انجام می‌شوند، نه تنها دولت‌ها، بلکه حقوق بنیادین انسان‌ها - از جمله حق حیات، حق دسترسی به سلامت، غذا و توسعه - را هدف قرار می‌دهند. تحریم‌های اعمال شده علیه ملت‌ها، اقدامات غیرقانونی و مخدوش‌کننده نظم اقتصادی جهانی هستند که هدفشان فراتر از حل منازعات و ایجاد فشار برای تغییر رفتارهای سیاسی است. جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند که مقابله با این «تروریسم اقتصادی» و ایجاد سازوکارهای مالی مستقل در قالب بریکس، ضرورتی انکارناپذیر برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی کشورهاست.

خانم‌ها و آقایان؛

جهان امروز شاهد بازگشت به دوران جنگ‌های بی‌پایان، خشونت عریان و یکجانبه‌گرایی افراطی است. آرمان صلح، آزادی و احترام به حقوق و کرامت انسان‌ها رنگ باخته و جای خود را به افتخار به نسل‌کشی، غارت و تجاوز داده است. کاربرد حقوق بین‌الملل، حقوق بشر دوستانه و منشور ملل متحد از سوی متجاوزان قدرتمند، به لفظی و دروغی برای توجیه جنگ و اشغالگری تقلیل یافته است. اکثر سازمان‌های بین‌المللی، بویژه سازمان ملل متحد، در محدودیت قدرت قانون‌گذاری خود را با زورگویی یکجانبه تنزل داده‌اند.

در چنین شرایطی، آرمان چندجانبه‌گرایی جنوب جهانی - که بریکس بر بنیان این ایده استوار و در آن متبلور شده است - بیش از هر زمان دیگری برای احترام به حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل و حکمرانی جهانی، ضروری و حیاتی است. اعضای بریکس خود را متعهد به اجرا و دفاع از اصول این منشور می‌دانند.

اصل عدم توسل به زور، به عنوان یک اصل درخشان و محوری در منشور ملل متحد و دستاورد بشری در مسیر تجربیات تلخ جنگ‌های جهانی، اکنون با چالش جدی از سوی آمریکا مواجه است. جنگ‌های غیرقانونی و یکجانبه توسط این کشور، بنیان نظم بین‌المللی را که پیشتر بر عدالت و چندجانبه‌گرایی آن را به مرز فروپاشی رسانده بود، اکنون با توحش و بربریت درآمیخته است.

از این رو، جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت اصلاحات بنیادین در سازمان‌های بین‌المللی، بویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، تأکید می‌ورزد. اصلاحات مورد نظر ما، اصلاحاتی برای «توزیع عادلانه قدرت» است، نه صرفاً تغییر در نام یا ترکیب اعضا. ما به دنبال نظامی هستیم که در آن:

- عدالت جایگزین قدرت شود،
- حاکمیت ملی اصل اول باشد،
- حقوق همه انسان‌ها محترم شمرده شود،
- و تنوع فرهنگی و سیاسی پذیرفته گردد.

هیأت‌های محترم

نظام سیاسی کنونی، نیازمند بازنگری است. اکنون شورای امنیت نماد بارز ناکارآمدی و عدم توازن است. نمونه آشکار ناکارآمدی این شورا سکوت در برابر جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این جنگ، زنان و کودکان به صورت سیستماتیک و هدفمند مورد حمله قرار گرفتند. این اقدامات، نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و مصداق بارز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است.

فاجعه‌بارترین نمونه، حمله دو مرحله‌ای به مدرسه دخترانه «شهید مطهری» در شهر میناب بود که طی آن ۱۶۸ انسان بی‌گناه - شامل دانش‌آموزان دختر و پسر - در ساعات درس و در مکان آموزشی خود به شهادت رسیدند. تجاوز نظامی متجاوزان که رأس ساعت ۹:۳۰ روز شنبه ۲۸ فوریه آغاز شد، حتی فرصت تعطیل شدن مدارس و بازگشت دانش‌آموزان به خانه‌هایشان را نداد. دولت ایران بلافاصله پس از اقدام تروریستی علیه مقام معظم رهبری و آغاز تجاوز نظامی، تعطیلی سراسری مدارس را اعلام کرد، اما متجاوزان حتی نیم ساعت به کودکان فرصت زنده ماندن ندادند و با حمله دوم، مدرسه میناب را هدف قرار دادند.

حملات به زیرساخت‌های حیاتی ایران - از جمله پالایشگاه‌ها، مجتمع‌های پتروشیمی، پل‌ها، راه‌آهن، ورزشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و تاریخی، خطوط انتقال انرژی و تأسیسات صنعتی مهم - ادامه این روند است. این زیرساخت‌ها فقط تأسیسات فنی یا اقتصادی نیستند؛ آنها ستون فقرات زندگی روزمره مردم هستند.

اگر امروز در برابر رنج مردم ایران، در برابر خون به ناحق ریخته‌شده شهروندان، در برابر بهره‌کشی کودکان در مدارس میناب و در برابر حمله به زیرساخت‌ها سکوت کنیم، یا بر اساس ملاحظات سیاسی از کنار آن عبور کنیم، فردا این چرخه خشونت و بی‌ثباتی می‌تواند به هر نقطه دیگری از جهان منتقل شود. دفاع از ایران، دفاع از یک اصل جهان‌شمول است: اینکه امنیت هیچ کشوری نباید بر ویرانه‌های خانه‌ها، مدارس و زیرساخت‌های حیاتی ملت دیگر بنا شود.

از همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم با صدای روشن و مسئولانه، در برابر حملات علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی در ایران بایستند و از حاکمیت حقوق، عدالت و کرامت انسانی دفاع کنند. جامعه جهانی باید معیارهای دوگانه را کنار بگذارد و نشان دهد که جان یک کودک در میناب، به اندازه جان یک کودک در هر نقطه دیگر جهان ارزشمند است.

همکاران گرامی؛

بر این اساس اصلاح شورای امنیت یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت برای بقای سازمان ملل است. ما به دنبال شورایی هستیم که نمایندگی واقعی از تمام قاره‌ها و مناطق جهان داشته باشد، شورایی که در آن قدرت با مسئولیت‌پذیری و عدالت

توزیع شده باشد، نه اینکه تنها در خدمت منافع برخی قدرت‌های سوء استفاده‌گر و متجاوز باشد.

در این میان، گروه بریکس، به نمایندگی از بخش بزرگی از جمعیت و اقتصاد جهان، پتانسیل بی‌نظیری برای تبدیل شدن به ستون فقرات یک چندجانبه‌گرایی واقعی دارد. ما در بریکس نه برای ایجاد یک بلوک تقابلی، بلکه برای ایجاد یک توازن استراتژیک، باید فعالیت کنیم. همکاری ما در حوزه‌های اقتصادی، مالی و فناوری می‌تواند وابستگی به ساختارهای انحصاری را کاهش دهد و فضای نو برای استقلال و توسعه پایدار فراهم آورد. بریکس می‌تواند الگویی از همکاری مبتنی بر احترام متقابل و منفعت مشترک باشد.

زمان آن رسیده است که از «مدیریت بحران» به «مدیریت ساختار» حرکت کنیم. ما نیازمند نظامی هستیم که در آن صلح، محصول عدالت و ثبات، نتیجه مشارکت همگانی باشد. بیایید از ظرفیت‌های بریکس برای بازسازی حکمرانی جهانی و بازگرداندن اعتبار به چندجانبه‌گرایی استفاده کنیم.

برچسب ها: [وزارت امور خارجه](#) [1]

[جنگ](#) [2]

[شورای امنیت](#) [3]